

تأثیر نمایش ناهنجاری‌ها در تغییر الگوهای رفتاری با تکیه بر نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا^۱

کوروش زارع شیبانی^۱، رضا اصغری^۲، عباس اناری‌نژاد^۳

^۱ استادیار، گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان، شیراز، ایران. r.asghari.72@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، پردیس بین‌الملل، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

rezaasghari5841@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، شیراز، ایران. anarinejad@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر نمایش ناهنجاری‌ها در تغییر الگوهای رفتاری با تکیه بر نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی، و مبتنی بر دیدگاه‌های روانشناس معاصر آلبرت بندورا می‌باشد. نتایج نشان داد که فایده احکام پوشش و نماد برای زنان و مردان مسلمان، تأثیر روشن نوع پوشش آنها در الگوسازی و رفتارهای اجتماعی است. دستور به رعایت پوشش اسلامی برای مرد و زن و نیز حرمت تشبیه به کفار و اعلام احکام فقهی و اخلاقی در این باب، به دلیل ایجاد رفتارهای نادرست توسط الگوهای ناشایست است. براساس تحقیقات بندورا، نمایش ناهنجاری‌ها در کنار تشویق آنها و خصوصاً تلبس الگوها و سلبریتی‌ها به این ناهنجاری‌ها، تأثیر بسزایی در ایجاد رفتارهای ناهنجار و نادرست در مشاهده‌گران خواهد داشت. لذا، ترویج این قبیل قبح‌شکنی‌ها به بهانه آزادی و یا بی‌تأثیری، غیرعلمی بوده و باعث فساد و تضعیف هنجارهای اسلامی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ناهنجاری‌ها، الگوهای رفتاری، نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا.

۱. مقدمه

تردیدی نیست که کمابیش همه رفتارهای پیچیده انسانی از راه یادگیری حاصل می‌شود. اگر ما بخواهیم رفتار فرد را توجیه، پیش‌بینی یا کنترل کنیم، باید بدانیم که وی چگونه آن رفتار را یاد گرفته است (رابینز، ۱۳۹۲). اغلب صاحب‌نظران تعریف زیر را برای «یادگیری» پذیرفته‌اند: «یادگیری، یعنی تغییرات نسبتاً پایدار که بر اثر تجربه در رفتار بالقوه فرد ایجاد می‌شود (شعبانی، ۱۳۹۲). البته باید توجه داشت که یادگیری تنها در محیط مدرسه و کلاس درس صورت نمی‌گیرد؛ بلکه یادگیری در حقیقت دارای مفهوم گسترده‌ای است که در قالب‌های مختلفی پدیدار می‌شود؛ زیرا بخش عمده‌ای از یادگیری‌های انسان از راه مشاهده و در قالب پیام‌های حاصل از انعکاس محرک‌های بصری صورت می‌گیرد؛ بخشی از راه شنیدن و در قالب پیام‌های حاصل از انعکاس محرک‌های سمعی، و بخشی نیز با شیوه تعامل انسان به واسطه سایر حواس وی با محیط انجام می‌گیرد. در این میان پیام‌های دیداری در فرآیند یادگیری، رفتار و سبک زندگی انسان نقشی اساسی دارند (پارسا، ۱۳۷۸).

در دنیای امروز رسانه‌ها و پیام‌های رسانه‌ای بیش از هر زمان دیگری در یادگیری انسان و رفتار وی تأثیرگذار است و بخش عمده‌ای از زندگی انسان را دربرمی‌گیرد. از نظر بندورا، اغلب رفتارهای انسان از طریق الگو، به صورت عمدی یا تصادفی آموخته می‌شوند. ما با مشاهده دیگران و تقلید از رفتار آن‌ها، یاد می‌گیریم (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰).

به عقیده McLeod (۲۰۱۶)، ویژگی‌های الگوها بر گرایش ما به تقلید از آن‌ها تأثیر می‌گذارند. این ویژگی‌های اثرگذار عبارتند از:

الف) شباهت الگو و مشاهده‌گر: در زندگی عملی، بیشتر تحت تأثیر کسی قرار می‌گیریم که به نظر می‌رسد شبیه ما است، تا کسی که با ما تفاوت زیادی دارد. بندورا دریافت که گرچه کودکان از رفتار کودک الگویی - کودک در همان اتاق، یا در فیلم و یا شخصیت کارتونی - تقلید کردند، ولی هنگامی که شباهت بین الگو و آزمودنی کاهش یافت، میزان سرمشق‌گیری نیز کاهش پیدا کرد. این کودکان از الگوی زنده بیشتر از شخصیت بی‌جان تقلید کردند. بر همین اساس است که کشورهای غربی سخت‌ترین قوانین را علیه حجاب وضع می‌کنند.

این در حالی است که حجاب و عفاف یکی از ارزش‌های اساسی در اسلام و جوامع اسلامی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، یکی از نیازهای حقیقی در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی در اسلام، مسئله حجاب است. هرچه الگوهای حجاب مراتب برتر و بالاتری داشته باشند، تأثیر بیشتری نیز بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهند گذاشت و هرچه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد،

تقدّس و حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر، در جامعه‌ای که افراد در آن با حفظ حدود و رعایت حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و سبب تخریب روح و جسم هم‌نوعان خود نمی‌گردند؛ بالتبع محیط امن و آرامی را برای جوانان فراهم می‌کنند و به سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهند رفت و هدف اسلام نیز همین است که مردان و زنان مسلمان، روح آرام، اعصاب سالم و چشم و گوش پاکی داشته باشند (رهنما، علی اکبرزاده آرانی، خاری آرانی، ۱۳۹۳).

ب) سن و جنسیت: ما از رفتار کسی که هم‌جنس ما است، بیشتر از کسی که از جنس مخالف است، سرمشق می‌گیریم. در ضمن، به احتمال بیشتری تحت تأثیر الگوهای هم‌سن قرار می‌گیریم.

فرآیندهایی که باعث می‌شود کودک رفتاری را که جامعه آن را برای جنسیتش مناسب می‌داند، بازتولید کند، شامل: اول، کودک به احتمال زیاد به افرادی که خود را شبیه آنها می‌داند، توجه کرده و از آنها تقلید می‌کند. در نتیجه، احتمال تقلید رفتار الگوبرداری شده توسط افراد هم‌جنس بیشتر است. دوم، اطرافیان کودک به رفتاری که او تقلید می‌کند، با تقویت یا تنبیه پاسخ می‌دهند. اگر کودک رفتار و پیامدهای یک مدل را تقلید کند که پاداش‌دهنده هستند، کودک احتمالاً به انجام رفتار خود ادامه می‌دهد.

ج) مقام و شهرت: معلوم شده است که وقتی عابران پیاده ببینند که فرد خوش‌لباسی هنگام روشن بودن چراغ قرمز از خیابان رد می‌شود، در مقایسه با زمانی که ببینند فرد بدلباسی این کار را انجام می‌دهد، به احتمال بیشتری آن‌ها نیز با روشن بودن چراغ قرمز از خیابان رد می‌شوند. تبلیغات تلویزیونی از مدل‌های عالی‌رتبه و عالی‌مقام مانند ورزشکاران، ستاره‌های راک، و ستاره‌های سینما که ادعا می‌کنند محصول خاصی را مصرف می‌کنند، نهایت استفاده را می‌برند. انتظار این است که مصرف‌کنندگان از رفتار آن‌ها تقلید کرده و محصول تبلیغ شده را بخرند.

موضوع یادگیری و تغییر رفتار از طریق مشاهده در همان حال که مورد تایید روانشناس معاصر آلبرت بندورا است، باعث تولید طیف نظریات مختلف درباره میزان تأثیرات رسانه‌های جمعی بر مخاطب شده است. دیدگاه‌های مختلفی همچون تزریقی (گلوله سربی)، برجسته‌سازی، شکاف آگاهی، کاشت، مارپیچ سکوت، سلطه رسانه و... در حوزه تأثیر پیام‌های رسانه‌های جمعی مطرح شده است. البته اینکه کدام نظریه مقبولیت بیشتری دارد، هنوز محل بحث و مناقشه صاحب‌نظران بوده، لکن در اصل تأثیر پیام، اجماع و اتفاق برقرار است (تانکارد و سورین، ۱۳۹۳).

از جمله مطالعاتی که در زمینه نقش و تأثیر تصویر و مشاهده بر زندگی انسان انجام گرفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مطالعات Nickerson (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که یادگیری مشاهده‌ای می‌تواند تأثیرات اجتماعی و

صدا اجتماعی داشته باشد. از مدل‌های مثبت یا اجتماعی می‌توان برای تشویق رفتارهای قابل قبول اجتماعی استفاده کرد. همچنین از یادگیری مشاهده‌ای برای توضیح چگونگی شکل‌گیری رفتارهای ضد اجتماعی استفاده می‌شود. برای مثال، تحقیقات نشان می‌دهند که یادگیری مشاهده‌ای دلیلی است که چرا بسیاری از کودکان آزار دیده، وقتی بزرگ می‌شوند، خودشان به آزارگر تبدیل می‌گردند.

یافته‌های پژوهش حسن‌نیا و شمشیری (۱۳۹۷)، نیز نشان داد که یادگیری مشاهده‌ای در علم اخلاق و عملی کردن آموزه‌های دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بر اساس نتایج پژوهش بهزادی و محمودی (۱۳۹۷)، افراد در بسیاری رفتارها از دیگران الگوگیری می‌کنند، مطالعه رفتار افراد نیز می‌تواند از مشاهده رفتار دیگران تأثیر پذیرد و این موضوع می‌تواند بر میزان مطالعه و علاقه به مطالعه تأثیر بگذارد.

رشید (۱۳۹۴)، در پژوهشی نشان داد که عوامل اجتماعی و فردی، شامل روابط خانوادگی، وجود الگوهای اجتماعی نامناسب، کنترل خانواده، نقش و محتوای رسانه‌های جمعی، به عنوان مهم‌ترین عوامل بروز رفتارهای پرخطر هستند.

فتحی و مختارپور (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران)»، تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی مردم را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌های نوین تصویری به شکل‌گیری سبک زندگی ویژه‌ای می‌انجامد و در هر یک از جنبه‌های مختلف سبک زندگی، نظام ارزشی و جهان‌بینی متفاوتی را ایجاد می‌کند که منجر به کنش‌های گوناگونی از جانب افراد شده و باعث می‌شود تا افراد در حوزه‌های مختلف زندگی خود از جمله اوقات فراغت و شیوه گذران آن، نگرش به ازدواج (شیوه همسرگزینی)، رفتارهای دینی و مدگرایی از الگوهای متفاوتی پیروی کنند.

آرام (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «کارکرد رسانه از دیدگاه قرآن و روایات»، تلاش کرده تا ضمن پرداختن به اهمیت تبلیغ دین و شیوه‌های آن در رسانه‌ها، رسالت و کارکرد رسانه‌ها، و رویکرد قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و نیز نقش اخلاق در خبررسانی را مورد بررسی قرار دهد.

سپنجی و افخمی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «دین و نظریه‌های تأثیر رسانه»، در بررسی پیشینه نظرات تأثیر رسانه نشان دادند که «تمام مطالعات مربوط به تأثیر رسانه‌ها، تأثیر رسانه را مفروض می‌دانند، اما در خصوص شدت و قدرت این اثرگذاری، توافق کلی وجود ندارد. از دیدگاه عقل سلیم، رسانه‌های همگانی در حوزه اخلاق، اعتقادات و رفتار، اثرگذارند. سیر تاریخی توجه به مقوله تأثیر رسانه‌ای از اوایل قرن بیستم و با اعتقاد به تأثیر قدرتمند رسانه‌ها (نظریه تزریقی) آغاز می‌شود، سپس به مرحله اعتقاد به تأثیر

محدود رسانه‌ها می‌رسد. ضمن آنکه نظریه دو مرحله‌ای رسانه‌ها نیز در همین ایام مطرح می‌شود. در عین حال، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م. مجدداً نظریه تأثیر قدرتمند رسانه‌ها طرح می‌گردد. پس از این مراحل، نظریه کاشت گرنبر، نظریه‌های مک لوهان^۱ در حوزه تأثیر رسانه‌ها، نظریه تجربه تأثیرات ترکیبی، مارپیچ سکوت و... در حوزه تأثیر رسانه‌ای مطرح شده‌اند. این پژوهش با اصل قرار دادن عقلانیت در هندسه معرفتی شیعه، به ارائه پیشنهادهایی برای تأثیر بیشتر بر مخاطبان می‌پردازد. مهم‌ترین این پیشنهادها دوری از القانات مستقیم و سطحی و توجه به آخرین دستاوردها همچون نظریه کاشت پیام در حوزه علم ارتباطات و رسانه برای جذب مخاطب است.

در قرآن کریم به اصل بازآفرینی و تولید رفتار، صراحتاً اشاره شده است. این مسأله از روشی که قرآن در خصوص تعلیم خصلت‌های نفسانی پسنندیده و اخلاق و عادت‌های رفتاری برتر در پیش گرفته است، روشن می‌شود. قرآن در کنار تعلیم ایمان و عقاید دینی به مسلمانان، به تشویق و راهنمایی آنها در انجام عمل صالح، توجه زیادی کرده است؛ زیرا ایمان راستین بایستی در عمل و رفتار مومن تبلور یابد. چنین ایمانی تنها با آراسته شدن مومن به اخلاق نیکو و پیشی گرفتن در انجام کارهایی که موجب رضای خداوند متعال می‌شود، امکان‌پذیر می‌باشد. به همین دلیل ایمان در بسیاری از آیه‌های قرآن به همراه عمل صالح آمده است (نجاتی، ۱۳۸۸). بر این اساس، توجه به یادگیری و تغییر رفتاری که نمایش هنجارها یا ناهنجاری‌ها در اجتماع ایجاد می‌کند، باید مورد توجه برنامه‌ریزان و عموم مردم قرار گیرد.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. ابتدا نتایج پژوهش‌های بندورا منعکس شده، سپس برخی احکام اسلامی در زمینه پوشش و الزام مقررات نمایشی و تصویری بیان شده و نهایتاً تلاش شده، فایده این احکام براساس یافته‌های این روانشناس تبیین شود.

۳. یافته‌ها

اخلاق یک جامعه علاوه بر آنکه از ناحیه ناهنجاری‌های رفتاری و گفتاری مورد تهدید قرار می‌گیرد، از ناحیه ناهنجارهای تصویری و لباس و پوشش نیز ممکن است آسیب‌پذیر باشد. اینگونه ناهنجاری‌ها قادرند بدون تعامل و ارتباط لفظی و مباحثی و تنها به واسطه نماد و تصویر، جامعه را آلوده کنند و تأثیرات مخرب خود را بر جامعه بگذارند. در ناهنجاری‌های رفتارمحور، افراد جامعه با صرف نگاه به ناهنجاری

1. McLuhan

مانند تماشای خشونت و نزاع خیابانی آلوده نمی‌شوند، اما در گناهان تصویرمحور، اصل نگاه و تصویر موضوعیت دارد و موجبات تخریب روح و روان را رقم می‌زند؛ هرچند هر دو ناهنجاری، یک نقطه مشترک دارند و آن کاهش شاخص اخلاق اجتماعی است.

نکته قابل تأمل در ناهنجاری تصویرمحور، دامنه و نفوذ تاثیر است، چراکه اساساً عملکرد و خاصیت تصویر، امری منحصر به فرد است. اگر تصویر، معنوی و خوب باشد، تاثیر نیز مثبت و ایجابی خواهد بود، و اگر بد باشد، به همان اندازه تاثیر منفی و مخرب دارد. از این‌رو است که امروزه بکارگیری رسانه‌های تصویری جهت هدایت افکار عمومی، به راهبرد اساسی و اولویت محوری در دنیا تبدیل شده است.

این موضوع از آن جهت در بحث اخلاق اجتماعی اهمیت دارد که اگر در جامعه‌ای تصاویر ناهنجار زیاد شود، خود جامعه به رسانه‌ای مخرب تبدیل خواهد شد که به شدت به پایه‌های اخلاقی و معنوی جامعه آسیب زده و اهمیت مسئله عفاف در اینجا بیشتر روشن می‌گردد. مکانیزم این تاثیر مخرب را می‌توان در آموزه‌های دینی از جمله روایت «القلب مصحف البصر» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۱) مشاهده کرد؛ یعنی قلب انسان کتابچه‌ای است که مضامین و محتوای آن با قلم چشم رقم می‌خورد. به دیگر معنا، نه تنها قلب پاک نیازمند عمل پاک است، بلکه اساساً بخش عمده‌ای از حالات قلب، بر اثر نوع عمل و عملکرد قلم چشم پدید می‌آید.

شاید یکی از علل تاکید فراوان اسلام بر ضرورت حفظ پوشش ملاحظه همین نکته باشد که به راحتی می‌تواند جامعه را تحت تاثیر خود قرار دهد و موجبات فساد و تباهی آن را رقم زند. چرا که صرف مشاهده و برخورد با گناهان رفتارمحور یا گفتارمحور ممکن است تنها مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را به همراه داشته باشد،^۱ اما مشاهده ناهنجاری‌ها و گناهان تصویرمحور علاوه بر آنکه مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را سبب می‌شود، موجبات کدورت قلب و معصیت را نیز می‌تواند به دنبال داشته باشد.

گفتنی است ارائه تصاویر ناهنجار می‌تواند هم از سوی مردان، و هم از سوی زنان صورت گیرد. به دیگر بیان، حفظ عفت و حیا در حوزه هنجارهای تصویری، متوجه هر دو جنس می‌باشد، اما رعایت این مهم از سوی زنان دارای اهمیت و ابعاد ذو وجوه بیشتری است. بخشی از این اهمیت به ویژگی‌های خاصی برمی‌گردد که در خانم‌ها وجود دارد؛ به بیان استاد مطهری زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفگی است. قهراً به زن باید بگویند خود را در معرض نمایش قرار ندهد، نه به مرد. لذا، با اینکه دستور پوشیدن

۱. ممکن از آن جهت ذکر شد که امر به معروف و نهی از منکر خود تابع شرایط و ضوابطی است.

برای مردان (مثل زنان) مقرر نشده است، عملاً مردان پوشیده‌تر از زنان از منزل بیرون می‌روند؛ زیرا تمایل مرد به نگاه کردن و چشم‌چرانی است، نه به خودنمایی، و برعکس تمایل زن بیشتر به خودنمایی است، نه به چشم‌چرانی. تمایل مرد به چشم‌چرانی، بیشتر زن را تحریک به خودنمایی می‌کند و به همین جهت «تبرج» (بزک نمودن) از مختصات زنان است» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۹). خداوند تزیین و زینت‌نمایی و آراستن زنان برای نامحرمان را به عنوان گناه و امری زشت و بزه اجتماعی معرفی می‌کند و از آن برحذر می‌دارد (نور، ۶۰).

بدون تردید این روایات تابع مصالح و مفاسدی هستند که هم ناظر به سلامت روحی و اخلاقی مردان جامعه بوده و هم ناظر به مصونیت روحی و امنیت جسمی زنان آن است. به عنوان مثال، در یکی از آیات قرآن کریم فلسفه پوشش چنین آمده است: «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین، فیقطع الذی فی قلبه مرض» (احزاب، ۳۳)؛ یعنی زنان با رعایت پوشش، به خوبی و نیکی شناخته می‌شوند و مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گیرند. به نظر می‌رسد یافته‌های عقلی و تجربی نیز حکم می‌کند که زنان برای اینکه مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و خود را از خطر تعرض چشمی، زبانی و عملی نامحرمان حفظ کنند، بهتر است محدودیت و زحمت حجاب را به جان بخرند و برای یک فایده بزرگ‌تر (آزادی از سوءاستفاده جنسی) یک فایده کوچک‌تر (راحتی و بی‌حجاب بودن) را کنار بگذارند. البته باید گفت ممکن است همه کسانی که با ما برخورد می‌کنند، مرض قلبی نداشته باشند، یا به یک اندازه مرض نداشته باشند، ولی وجود حتی یک مریض، احتمال تعرض را ایجاد می‌کند. همان یک احتمال، رعایت احتیاط را عقلانی می‌کند. این مثال تنها یک مورد از فلسفه‌های پوشش می‌باشد که با موضوع ناهنجاری‌های تصویری درهم تنیده است.

ناگفته نماند که آموزه‌های دینی در کنار ضرورت رعایت پوشش از سوی زنان، بر ضرورت کنترل نگاه از سوی مردان و زنان نیز تاکید و تصریح نموده‌اند. به عنوان مثال، در سوره نور درباره مردان آمده است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ یَغْضُؤْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْکٰی لَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ خَبِیْرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ»، «به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند. این برایشان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند، آگاه است» (نور، ۳۰)^۱. به دیگر بیان اسلام معتقد است که باید روابط نامشروع از همین مرحله نخست کنترل شود و هیچ مرد و زن بیگانه‌ای دیگری را هدف نگاه شهوت‌آمیز خود قرار

۱. در آیه بعد درباره زنان می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...؛ و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند» (نور، ۳۱).

ندهد؛ زیرا چشم دریاچه حساسی است که لذت جنسی حاصل از نگاه در آن متوقف نشده و از این راه تا درون دل پیشروی می‌کند. وقتی نگاه تکرار شود، این پیشروی سریع‌تر و عمیق‌تر می‌گردد و چیزی نمی‌گذرد که در برابر مناظر جنسی حالت تحریک شدن و حساسیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند و اولین سد عظیم حیاء و عفت با همین نگاه‌های ساده دریده می‌شود و چه بسا که یک نگاه، یک طوفان برپا می‌کند و غالباً به دنبال خود عشق‌های سوزان، ولی نامشروع و پر از بدبختی به بار می‌آورد که هزاران مفاسد دیگر به دنبال خود دارد.

نکته اول: تعامل محور بودن برخی ناهنجاری‌ها

نکته شایان ذکر درباره ناهنجاری‌های رفتار محور یا گفتار محور، تعامل محور بودن آنهاست. بدین معنا که غالباً ایجاد ناهنجاری‌های گفتار یا رفتار محور بر رابطه مستقیم و تعامل مابشری با دیگران استوار بوده و بروز ناهنجاری نیازمند حضور شخص یا اشخاص دیگری می‌باشد. مانند ناهنجاری‌هایی مانند ضرب و شتم، عیب‌جویی و دروغ که حداقل برای ایجاد ناهنجاری نیاز به فرد دیگری است تا نزاعی شکل گیرد یا دروغی ایجاد شود. اما ناهنجاری تصویر محور چنین نبوده و بدون تعامل مستقیم، تاثیرگذار خواهد بود. همچنین از نگاه یک شهروند و در یک بازه زمانی معین و محدود، بعضی از ناهنجاری‌ها برای استمرار خود نیاز به فاعل و مباشر خود دارند، یعنی از حیث حدوث و بقاء محتاج تکرار و ارتکاب مجدد هستند. اما بعضی گناهان مثل بدپوششی تنها از حیث حدوث نیازمند ایجاد می‌باشند، اما برای بقای خود خیر. مثلاً دروغ و بدپوششی هر دو نیازمند فاعل بوده و آثار آنها نیز ممکن است دوام داشته باشد، اما برای استمرار دروغ، استمرار فعل و انرژی نیاز بوده و این فعل نیز نیازمند دوباره فاعل خود است، اما در بدپوششی خیر. از نگاه یک شهروند رهگذر استمرار گناه تصویر محور محتاج صرف فعل و انرژی دوباره نیست. از این حیث شاید بتوان گفت گناهان تصویر محور مانند بدپوششی، از آسان‌ترین و سریع‌ترین گناهان در تخریب امنیت روانی و اخلاقی جامعه قلمداد می‌شوند.

نکته دوم: دامنه آسیب ناهنجاری‌های قالبی

دامنه فساد و ضرر برخی از گناهان، تنها به فاعل آن برمی‌گردد. به عنوان مثال یک شهروند از فحش و ناسزاگویی دیگری، ظالم نمی‌شود، بلکه مظلوم واقع می‌شود، در واقع فاعل ناهنجار آلوده می‌گردد. اما دامنه برخی از ناهنجاری‌ها ممکن است به قابل هم سرایت کند و آنها را هم آلوده و دچار معصیت نماید. به عنوان مثال، بدپوششی از جمله ناهنجاری‌هایی است که علاوه بر آلوده ساختن فرد فاعل، ممکن است فرد قابل را هم فاسد و آلوده نماید. البته اگر از دام و وسوسه‌سازی فرد فاعل برهد و نگاه خویش را کنترل

نمایند، به تبع از این آلودگی هم می‌رهد.

۱-۳. سرمشق‌گیری

یکی از مفاهیم عمده در نظریه شناختی اجتماعی بندورا، سرمشق‌گیری است. سرمشق‌گیری اصطلاحی کلی است و به آن دسته از تغییرات رفتاری، شناختی و عاطفی اطلاق می‌شود که از طریق مشاهده یک یا چند الگو بدست می‌آید. طبق نظر بندورا، سرمشق‌گیری ممکن است شامل تقلید باشد یا نباشد. او در طبقه‌بندی انواع سرمشق‌گیری، یادگیری پاسخ‌های جدید از طریق مشاهده الگو را مدنظر قرار داده و این قسمت را در آموزش و یادگیری مهم می‌شمارد. وی معتقد است که کودکان بسیاری از رفتارهای جدید را با مشاهده رفتار والدین، خواهر یا برادر و همسالان می‌آموزند.

۲-۳. نظریه یادگیری مشاهده‌ای

نظریه یادگیری که بندورا معرفی می‌کند، یادگیری مشاهده‌ای نام دارد. یادگیری مشاهده‌ای از طریق سرمشق‌گیری، زمانی اتفاق می‌افتد که فرد رفتاری را با مشاهده عملکرد دیگران بیاموزد. در این نظریه مشاهده الگو می‌تواند به صورت زنده یا غیرزنده، فیلم یا ویدئو، داستان مصور یا سخنرانی باشد. اگر یادگیری از طریق مشاهده، با موفقیت همراه نباشد، احتمالاً بدین علت است که یادگیرنده به فعالیت‌هایی که قرار بود از الگو یاد بگیرد، توجه نکرده، یا آنها را به یاد نسپرده، یا توانایی جسمی آن را نداشته و یا مشوق‌های لازم در اختیارش نبوده است. بنابراین فرایندهای یادگیری مشاهده‌ای عبارت است از: توجه، یادداری، بازآفرینی و انگیزش (السون و هرگانان، ۱۴۰۱).

۱-۲-۳. توجه در نظریه یادگیری مشاهده‌ای

اولین فرایند در یادگیری مشاهده‌ای بندورا، توجه است. پیش از آنکه چیزی از یک الگو یا سرمشق آموخته شود، آن الگو یا سرمشق باید مورد توجه قرار گیرد. از دیدگاه بندورا ویژگی‌های مختلفی از الگو برای اینکه تا چه حد جلب توجه‌کننده باشد، مهم هستند. ویژگی‌های الگو از جمله قابلیت احترام، پایگاه اجتماعی، شایستگی و قدرتمندی او بر جلب توجه مشاهده‌کننده، اثرگذار است. به طور کلی افراد به الگوهایی توجه می‌کنند که به کارآمدی مشهورترند و کسانی را که از لحاظ ظاهر یا شهرت ناکارآمد هستند، نادیده می‌گیرند (السون و هرگانان، ۱۴۰۱).

۲-۲-۳. یادداری یا یادسپاری در نظریه یادگیری مشاهده‌ای

دومین فرایند در یادگیری مشاهده‌ای بندورا، یادداری یا به یادسپاری است. برای اینکه اطلاعات بدست

آمده از راه مشاهده مفید واقع شوند، باید حفظ گردند. فرایند یادداری نیازمند سازماندهی شناختی، دوباره گوش کردن، رمزگردانی و انتقال اطلاعات و سرمشق به حافظه بلندمدت است. به اعتقاد بندورا، فرایندهای یادداری یا به یادسپاری وجود دارند که در آنها اطلاعات به طور نمادی و به صورت تجسمی و کلامی ذخیره می‌شوند. نمادهایی که به صورت تجسمی یا تصویری ذخیره می‌شوند، تصاویر ذخیره شده واقعی از تجارب الگوبرداری شده هستند که مدت‌ها پس از یادگیری مشاهده‌ای قابل بازیابی بوده و می‌توان مطابق آنها عمل کرد. برای بندورا دومین و مهم‌ترین رمز، رمز کلامی است. او معتقد است که غالب فرایندهای شناختی که رفتار را نظم می‌دهند، عمدتاً مفهومی هستند تا تجسمی. به سبب انعطاف‌پذیری فوق‌العاده نمادهای کلامی، دشواری‌ها و پیچیدگی‌های رفتار را می‌توان به خوبی در کلمات حفظ کرد. هرگاه رویدادها در حافظه بازنمایی می‌شوند، غالباً نمی‌توان نمادهای تجسمی و کلامی را از هم جدا کرد. وقتی که محرک‌های دیداری و کلامی معانی واحدی را انتقال می‌دهند، افراد اطلاعات ارائه شده بوسیله این رمزهای مختلف را در یک بازنمایی مفهومی مشترک ادغام می‌کنند (السون و هرگانان، ۱۴۰۱).

۳-۲-۳. بازآفرینی یا تولید رفتار در نظریه یادگیری مشاهده‌ای

سومین فرایند در یادگیری مشاهده‌ای بندورا، فرایندهای بازآفرینی یا تولید رفتار است. فرایندهای تولید رفتار تعیین می‌کند که آنچه یاد گرفته شده است، تا چه اندازه به عملکرد تبدیل می‌شود (السون و هرگانان، ۱۴۰۱).

۳-۲-۴. انگیزش در نظریه یادگیری مشاهده‌ای

آخرین فرایند از یادگیری مشاهده‌ای، فرایندهای انگیزشی است. اهمیت انگیزش در یادگیری مشاهده‌ای از آن جهت مهم است که اگر فرد احساس کند، رفتاری که مشاهده می‌کند، با اهمیت است، بهتر به آن توجه کرده و بهتر آن را به یاد می‌آورد. البته یادگیرنده همه مهارت‌ها، راهبردها و رفتارهایی را که یاد گرفته است، بروز نمی‌دهد، بلکه از میان آنچه یاد گرفته است، قسمت‌هایی را که منتج به تقویت می‌شود، بروز می‌دهد و از بخشی که نتایج ناخوشایند به دنبال دارد، احتراز می‌کند (Shank, 2000).

۴. نتیجه‌گیری

از نظر بندورا اغلب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و الگو به صورت عمدی یا تصادفی آموخته می‌شوند. براساس تحقیقات وی، نمایش ناهنجاری‌ها در کنار تشویق آنها و خصوصاً تلبس الگوها و سلبریتی‌ها به این ناهنجاری‌ها، تاثیر بسزایی در ایجاد رفتارهای ناهنجار و نادرست در مشاهده‌کنندگان خواهد داشت؛ لذا، ترویج این قبیل قبح‌شکنی‌ها به بهانه آزادی و یا بی‌تاثیری، غیرعلمی بوده و سبب فساد

و تضعیف هنجارهای اسلامی خواهد بود. با توجه به انقلاب ارتباطات و گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، جامعه و فرهنگ ایران نیز در حال تجربه نوعی گذار است که دارای ویژگی‌های خاص خود بوده و پیامدهای متعددی نیز برای فرهنگ و هویت ایرانی‌ها به دنبال دارد؛ به گونه‌ای که جوانان در اثر ارتباط نزدیک و پرضرب با علایق و ظواهر جذاب رسانه‌ای، به مهاجرت به سوی غرب از یک طرف و بی‌تفاوتی نسبتاً شدید به مسایل و علایق فرهنگی سنتی خود از طرف دیگر تمایل می‌یابند (عدلی‌پور، قاسمی، میرمحمد تبار، ۱۳۹۲). مخاطبان شبکه‌ها تحت تاثیر تصاویر دریافتی از حجم عظیم فیلم‌ها، تبلیغات مد و... آگاهانه یا ناآگاهانه نوعی از پوشش را برمی‌گزینند که با فرهنگ ایرانی-اسلامی ما متعارض بوده و خود به عنوان یک فرستاده منبع پیام یا رسانه در تغییرات ناهنجار اجتماعی نقش ایفا می‌کنند. تاثیر این نمادها در اغلب کشورهای مدعی دموکراسی غربی سبب قوانین بسیار سخت‌گیرانه منع حجاب و محرومیت مسلمانان از حقوق اولیه- حتی حق تحصیل- شده است. مطالعات نیکرسون^۱ (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که یادگیری مشاهده‌ای می‌تواند تأثیرات اجتماعی و ضداجتماعی داشته باشد و باید از مدل‌های مثبت برای تشویق رفتارهای قابل قبول اجتماعی استفاده کرد. همچنین از یادگیری مشاهده‌ای برای توضیح چگونگی شکل‌گیری رفتارهای ضد اجتماعی استفاده می‌شود. مطالعه Greatmir (۲۰۱۸) نشان داد هنگامی که دوستان در شبکه اجتماعی، بازی‌های ویدیویی خشونت‌آمیز بازی می‌کنند، هرچند بازی‌های خشونت‌آمیز را خودشان انجام ندهند، اما دارای خشونت بیشتری می‌شوند.

حسن‌نیا و شمشیری (۱۳۹۷)، بیان می‌کنند که یادگیری مشاهده‌ای در علم اخلاق و عملی کردن آموزه‌های دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق نتایج پژوهش بهزادی و محمودی (۱۳۹۷)، افراد در بسیاری رفتارها از دیگران الگوگیری می‌کنند، رفتار مطالعه افراد نیز می‌تواند از مشاهده رفتار دیگران تأثیر بپذیرد. رشید (۱۳۹۳) در مطالعه خود بیان می‌کند که عوامل اجتماعی و فردی، شامل روابط خانوادگی، وجود الگوهای اجتماعی نامناسب، کنترل خانواده، و نقش رسانه‌های جمعی، مهم‌ترین عوامل بروز رفتارهای پرخطر هستند.

یادگیری مشاهده‌ای می‌تواند یک ابزار یادگیری باشد. وقتی ما در مورد مفهوم یادگیری می‌اندیشیم، اغلب در مورد آموزش مستقیم یا روش‌هایی صحبت می‌کنیم که متکی بر تقویت و تنبیه هستند. اما میزان زیادی از یادگیری به‌طور ظریف‌تر رخ می‌دهد و متکی بر مشاهده افراد موجود در اطراف ما و سپس الگوبرداری از رفتارهای آنها می‌باشد. می‌توان در طیف وسیعی از محیط‌ها از جمله آموزش، مشاغل،

تعلیم و تربیت، مشاوره و روان‌درمانی، از این روش یادگیری استفاده کرد. والدین و مربیانی که از فرزندان و دانش‌آموزان، انتظار رفتارهای مطلوب و پسندیده، مانند راستگویی، احترام به دیگران، صدق وعده و... را دارند، باید بدانند که خود آنها، اولین سرمشق‌های فرزندان و دانش‌آموزان هستند. اگر آنها در امور فوق، اهل عمل باشند، فرزندان هم از طریق یادگیری مشاهده‌ای به این امور، عمل خواهند کرد. پیشنهاد می‌گردد که در مدارس برنامه‌هایی را تبیین و طراحی کنند که به نوعی بتوانند به نحو مطلوبی از این نوع یادگیری استفاده کنند. به علاوه توجه ویژه به رژیم مصرف رسانه‌ای و نیز سایر ابعاد آموزش و تربیت سواد رسانه خصوصاً در کودکان و دانش‌آموزان توصیه می‌گردد.

- منابع -

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- آرام، محمدرضا (۱۳۸۹). کارکردهای رسانه از منظر قرآن و روایات. *مطالعات رسانه*، ۵(۱۰).
- السون، ام.ا.ج.؛ هرگانان، بی.آر. (۱۴۰۱). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*. ترجمه علی اکبر سیف. انتشارات دوران.
- بهزادی، حسن؛ محمودی، حسن (۱۳۹۷). بررسی نقش یادگیری مشاهده‌ای بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی براساس نظریه شناخت اجتماعی بندورا. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۱(۱)، ص ۲۵-۵۴.
- پارسا، محمد (۱۳۷۸). *روانشناسی یادگیری (نظریه‌ها و مفاهیم)*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- تانکارد، جیمز؛ سورین، ورنر جوزف (۱۳۹۳). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- حسن‌نیا، سمیه؛ شمشیری، بابک (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی فرایندهای یادگیری مشاهده‌ای بندورا در قرآن. *روانشناسی رویش*، شماره ۳۶، ص ۱۶۷-۱۷۴.
- راینز، اس. پی. (۱۳۹۲). *مبانی رفتار سازمانی*. ترجمه علی پارسائیان و سید محمد عربی. تهران: پژوهش‌های فرهنگی، ج ۵۱.
- رشید، خسرو (۱۳۹۴). رفتارهای پرخطر در بین دختران و پسران نوجوان شهر تهران. *رفاه اجتماعی*، ۱۵(۵۷).
- سپنجی، امیر عبدالرضا؛ افخمی، حسینعلی (۱۳۸۷). نظریه‌های تأثیر دین و رسانه؛ کاوش در متون معتبر اسلامی و نظریه‌های رسانه‌ای، *نامه صادق*، شماره ۳۳.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۲). *مهارت‌های آموزشی و تربیتی (روش‌ها و فنون تدریس)*. تهران: انتشارات سمت، چاپ بیست و هفتم، ج ۱.
- شولتز، دی. پی.؛ شولتز، اس. ای. (۱۴۰۰). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش، چاپ هفدهم.
- عدلی‌پور، صمد؛ قاسمی، وحید؛ میرمحمد تبار، مسعود (۱۳۹۲). تأثیر شبکه اجتماعی فیس بوک بر هویت فرهنگی کاربران جوان شهر اصفهان. *پژوهش فرهنگی ایران*، ۱۷(۱)، ص ۱-۲۸.
- فتحی، سروش؛ مختارپور، مهدی (۱۳۹۳). بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های تصویری جدید در تغییر سبک زندگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۶(۲)، ص ۱۱۸-۱۰۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *مجموعه آثار*. صدرا، ج ۱۹.
- نجاتی، محمدعثمان (۱۳۸۸). *قرآن و روانشناسی*. ترجمه عباس عرب. مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- McLeod, S.A. (2016). *Bandura - social learning theory*. Retrieved from: www.simplypsychology.org/bandura.html
- Nickerson, C. (2022). *How Observational Learning Affects Behavior*.
URL= www.simplypsychology.org/what-is-observational-learning.html
- Schunk, D.H. (2000). Learning theories: An educational perspective. *Prentice-Hall*, 15(57), p. 31-56.

تأثير إظهار الانحرافات في الأنماط السلوكية المتغيرة بناء على نظرية باندورا في التعلم بالمشاهدة والملاحظة

كورش زارع الشيباني^١، رضا أصغرى^٢، عباس انارى نجاد^٣

^١ أستاذ مساعد في قسم المعارف كلية المعلمين، شيراز، ايران. r.asghari.72@gmail.com

^٢ طالب في مرحلة الدكتوراه في قسم التخطيط الدراسي، البريدس الدولي، جامعة شيراز، شيراز، ايران (الكاتب المسؤول).

rezaasghari5841@gmail.com

^٣ أستاذ مساعد في قسم العلوم الإنسانية، كلية المعلمين، شيراز، ايران. anarinejad@gmail.com

الخلاصة

إن الهدف الكامن من هذا التحقيق والبحث هو دراسة عملية التأثير الذي يتركه إظهار وإبراز الانحرافات في تغيير الأنماط والنماذج السلوكية من خلال الإعتدال والتأكيد على نظرية التعليم لباندورا، وقد إستخدم البحث هذا الأسلوب الوصفي - التحليلي ويعتمد بشكل أساسي وكلي على النظرية والآراء التي تبناه عالم النفس آلبرت باندورا. وأظهرت النتائج الحاصلة أن فائدة أحكام اللباس والقنود بالنسبة للنساء والرجال المسلمين له الأثر الواضح لنوع ملابسهم ولاشك فإن الأمر والتوصية في رعاية اللباس الإسلامي للرجل والمرأة وكذلك حرمة وتشكيل السلوك الاجتماعي التشبيه بالكفار وإعلان الأحكام الفقهية والأخلاقية في هذا الباب جاء بدليل إيجاد السلوكيات غير الصحيحة بواسطة الأنماط والقنود غير المناسبة. وحسب التحقيقات والابحاث التي أجراها باندورا، فإن إظهار الانحرافات والشذوذ الحاصل والعمل على تشجيعها وخاصة حين تقمص القنود والمشاهير لهذه الأعراف والقيام بها سيكون له تأثير كبير على خلق سلوكيات غير طبيعية وخاطئة لدى المتلقين. ومن هذا المنطلق فإن عملية الترويج ونشر هذه القبانج والمفاسد بحجة الحرية أو عدم تأثيرها وكونها غير علمية ستؤدي في نهاية المطاف الى عملية الفساد وإضعاف الأعراف والتقاليد الإسلامية.

المصطلحات المحورية: الانحرافات، القنود والانماط السلوكية، نظرية باندورا لتعليم بالمشاهدة.

The Impact of Displaying Abnormalities in Changing Behavioral Patterns Relying on Bandura's Observational Learning Theory¹

Kourosh Zare Sheibani¹, Reza Asghari², Abbas Anarinejad³

¹ Assistant Professor, Department of Education, Farhangian University, Shiraz, Iran.
r.asghari.72@gmail.com

² PhD. Student of Curriculum Planning, International Campus, Shiraz University, Shiraz, Iran
(Corresponding author), rezaasghari5841@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Shiraz, Iran.
anarinejad@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is to study the impact of displaying abnormalities in changing behavioral patterns relying on Bandura's observational learning theory. The research method is descriptive-analytical and it relies on the views of the contemporary psychologist Albert Bandura. The results showed that the benefit of covering and symbol rules for Muslim men and women is that their clothing has a vivid effect on creating social models and behaviors. Regulations about observing Islamic covering for men and women is to avoid resemblance to unbelievers and to announce jurisprudential and moral rules in this regard, because they bring about inappropriate behaviors through unsuitable models. According to Bandura's research, displaying abnormalities, encouraging them, and especially inappropriate and abnormal clothing by models and celebrities have an enormous effect on creating abnormal and inappropriate behaviors among those who observe them. Therefore, propagation of such indecent behaviors under the rubric of freedom or ineffectiveness is not scientific as they cause corruption and weaken Islamic norms.

Keywords: Abnormality, Behavioral Patterns, Bandura's Observational Learning Theory.

1. **Received:** 2022/11/11 ; **Revision:** 2022/12/29 ; **Accepted:** 2022/12/29 ; **Published online:** 2023/01/05

© the authors

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries

